

نامه ی سرگشاده به هوگو چاوز رئیس جمهور ونزولا

هوگو رافائل چاوز فریاس، رئیس جمهوری بولیواری ونزولا

آقای رئیس جمهور،

دیروز هفتمین باری است که شما برای ملاقات رهبران دولت سرمایه داری ایران وارد ایران می شوید.

در ژوئیه ۲۰۰۷ ششمین سفر شما به ایران و در ژوئیه ۲۰۰۶ پنجمین سفر شما و همچنین در نوامبر ۲۰۰۴ هنگام چهارمین دیدار رسمی شما از ایران، برخی از فعالان جنبش کارگری ایران به شما نامه ای فرستادند و در آن نگرانی های خود را در رابطه ی با سوءاستفاده ی رژیم ایران از نام و محبوبیت شما در میان توده های مردم آمریکای لاتین و فعالین مترقی و ضد گلوبالیزاسیون در سطح جهان ابراز داشتند. در آن نامه تفاوت های بنیادین بین حکومت بولیواری با رژیم ایران ذکر شد. اما شما ظاهراً توجه ای به ندای کارگران و مردم تحت ستم ایران نکردید و بار دیگر سران این دولت ضد کارگری را ملاقات کرده و آنها را به آغوش کشیدید و قراردادهای نوین امضا کردید. شما با این سفر نشان دادید که در اتخاذ سیاست خارجی و ایجاد جبهه ضد امپریالیستی دچار لغزش بنیادین شده اید.

آقای رئیس جمهور،

شما باید توجه کنید که وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ونزولا و ایران در دو جهت مخالف هم سیر می کنند. اگر چه هر دو کشور شاهد شکوفائی قابل ملاحظه در درآمد نفت (و گاز) بوده اند، اما، مابین شیوه های استفاده از این درآمد مضاعف؛ تفاوت های فاحشی وجود دارد. در ونزولا، شما از این درآمد برای ساختن بیمارستان ها و مدارس و دانشگاه استفاده می شود؛ و در ایران برای پر کردن جیب عده معدودی سرمایه دار.

از یک سو در ونزولا، ما شاهد ملی شدن هر چه بیشتر شرکت ها، امکانات رایگان دارو و درمان، آموزش و پرورش و غیره، و سیاست اهدای حقوق و آزادی بیشتر در قانون اساسی، خصوصاً به کارگران و اقشار فقیر جامعه بوده ایم. برای کارگران این گونه پیشرفت ها به معنای کسب کنترل بیشتر آن ها بر شیوه زندگی و کارشان بوده است. مهم تر از همه، سلب مالکیت از کارخانه ها و تشویق به کنترل و دخالت کارگری، ماهیت جنبش کارگری ونزولا را تغییر داده است. جنبش بولیواری و سیاست های حکومت آن تغییرات عظیمی را در تعادل نیروهای طبقاتی ونزولا به نفع طبقه ی کارگر انجام داده است. حکومت ونزولا نه تنها کارگران را به ساختن "اتحادیه ی ملی کارگران" به عنوان بدیلی در مقابل "کنفدراسیون کارگری ونزولا" تشویق کرده است، بلکه کارگران در اداره و مدیریت کارخانجات و سایر شرکت ها حضور و دخالت داشته اند. تمام جهان می داند که شما لیست اسامی ۱۱۴۹ کارخانه ی تعطیل شده را بیرون داده و به صاحبان آن ها اخطار دادید: «آن ها را تحت کنترل کارگری قرار دهید و یا حکومت از شما سلب مالکیت خواهد کرد!»

اما در ایران، علاوه بر نبود حقوق دموکراتیک اولیه؛ کارگران از داشتن حق تشکیل هرگونه اتحادیه ی کارگری محروم هستند. امروز، کارگران ایران حتی حق داشتن یک کنفدراسیون مانند "کنفدراسیون کارگری ونزولا" را ندارند! آن چه آن ها دارند «خانه ی کارگر» و «شورای کار اسلامی» وابسته به دولت است؛ که برای حمله به کارگران شکل گرفته اند.

اما در پیش چنین نبوده است: سرنگونی رژیم شاه، برای کارگران آزادی هایی را دربر داشت که در برخی موارد حتی شامل کنترل بر تولید و توزیع نیز شد. اما هیئت حاکم اسلامی موفق شد؛ از طریق سرکوب تمام دستاوردهای کارگران را از آنها باز پس گیرد. این رهبرانی که شما در آغوش می کشید، با کشتن هزاران کارگر، جنبش را نابود و چندین دهه به عقب کشاندند. در جامعه ایران، حتی اتحادیه های کارگری زرد طرفدار کارفرما که در دوره شاه قابل تحمل بود،

غیرقانونی شده و هم چنان غیرقانونی باقی مانده است! حتی فدراسیون اتحادیه های کارگری ای مانند "کنفدراسیون کارگری ونزونلا" نیز در ایران غیرقانونی می باشد!

در ایران، میزان بیکاری رسمی (که پایین تر از میزان واقعی است) ۱۰/۸۵ بوده و بیکاری در میان جوانان (بین سنین ۱۵ تا ۲۴ سال) ۲۲/۳۵ است. حتی وقتی کارگران شاغل هستند، اغلب حقوقشان پرداخت نمی شود. در بسیاری از موارد بیش از یک سال. حتی آن هایی که دستمزد خود را دریافت می کنند با مشقت پرداخت مخارج نیازهای ابتدایی خود در زندگی مواجه هستند، زیرا که دستمزدشان کفاف زندگی عادی را نمی دهد. برای نمونه، اجاره ی آپارتمان دو اتاق خوابه ۴۲۲ دلار در ماه است، در حالی که درآمد یک کارمند عادی ۱۲۰ دلار، درآمد یک معلم ۱۸۰ دلار و حتی درآمد یک پزشک ۶۰۰ دلار در ماه است. جای تعجبی نیست که ۹۰٪ جمعیت کشور زیر خط فقر زندگی می کنند.

آقای رئیس جمهور،

دولت سرمایه داری ایران، هیچ اختلاف و تضاد بنیادین با امپریالیست آمریکا ندارد. آنها در حالت جنگ سرد با آمریکا قرار دارند و با دریافت امتیازات کافی؛ وارد معاملات سیاسی با آمریکا خواهند شد و پشت شما را خالی می کنند. در حقیقت دولت سرمایه داری ایران نقداً به آمریکا در تهاجم و اشغال نظامی افغانستان و عراق - و روی کار آوردن رژیم های دست نشانده ای مانند رژیم «کرزای» و «ملکی» به وسیله ی تبادل تجاری امنیتی و معاملات دیگر - کمک کرده است. دولت سرمایه داری ایران هم اکنون مشغول مذاکره نزدیک با دولت اوپاما در مورد حل مسایل افغانستان است. این دولت علیرغم شعارهای "ضد امپریالیستی" اش، به سوی بازسازی پیوندهای سابق خود با ایالات متحده آمریکا پیش می رود. گزینش احمدی نژاد، نشانگر چرخش نهانی رژیم برای حل اختلافاتش با امپریالیزم، به ویژه امپریالیزم آمریکا است. بر خلاف تمام "دشمنی ها"، و ژست های "ضدامپریالیستی"، رژیم آماده ی حل کلیه ی اختلافات موجود با آمریکا است. دولت ایران می خواهد از ایران، جامعه یی مثل کلمبیا بازسازی کند (در کلمبیا هزاران کارگر اتحادیه ای کشته شده تا شرکت های چند ملیتی بدون هیچ گونه مانعی بتوانند کارگران را استثمار کرده و منابع طبیعی کشور را به یغما برند).

آقای رئیس جمهور،

پیوند نزدیک و مرتب شما به رهبران این رژیم عاقبت باعث این می شود که توده های مردم ایران به درس های بزرگ روند انقلابی در ونزونلا پشت کنند. جای گرفتن در قلب و ذهن توده های مردم ایران و کشورهای نظیر آن، بهترین راه حل درازمدت برای قطع کردن دست های واشنگتن بر آمریکای لاتین است. نزدیکی شما با دولت سرمایه داری ایران که دستهایش به خون هزارها کارگر و جوان آغشته است، نشان می دهد که سیاست بین المللی ضد امپریالیستی شما دچار انحراف اساسی است. شما با نزدیکی با رژیم های ارتجاعی هرگز نخواهید توانست مبارز ضد امپریالیستی را به فرجام برسانید. تنها اتحاد نمایندگان واقعی کارگران و زحمتکشان می تواند در مقابل امپریالیزم ایستادگی کند.

با احترام

مازیار رازی

سخنگوی گرایش مارکسیست های انقلابی ایران

۱۴ فروردین ۱۳۸۸